

ابنا: جایگاه یمانی در نشانه های ظهور امام زمان (عج) چیست؟

— بسم الله الرحمن الرحيم .در مورد یمانی آخرالزمان، روایاتی در منابع شیعه و سنی وجود دارد. ۱۵ روایت و یک گزارش تاریخی از «سطیح کاهن» در منابع شیعی وجود دارد. در منابع اهل سنت هم در ۳ روایت به بحث یمانی پرداخته اند. البته اهل سنت روایتی را هم با عنوان قحطانی دارند که بنده در تحقیقات خود به این نتیجه رسیدم که قحطانی نمی تواند یمانی باشد. پس عملاً مجموعه گزارش و روایاتی که در شیعه و سنی نسبت به یمانی داریم ۱۸ روایت است .

ابنا: این روایات معتبر هستند؟

— همه این 18 روایت ضعف سند دارند؛ یعنی نمی توانیم واقعاً آنها را روایت معتبر بنامیم و بگوییم این روایت جزء روایت های معتبر ماست. اما از مجموع ۱۵ روایت، ۶ روایت قابل قبول است. یک سری روایات ضعیف هم با همدیگر همپوشانی دارند. از روایات اهل سنت نیز فقط یک روایت را قبول می کنیم .

ابنا: آیا مشخصات یمانی در این روایات ذکر شده است؟

— در مورد ویژگی های یمانی آنچه که از مجموع روایات به دست می آید این است که نهایتاً می توانیم بگوییم که اصل یمانی قابل اثبات است و لا غیر. یعنی اینکه ما از روایات مشخصات ظاهری برای یمانی بیان کنیم، اینگونه نیست. اینکه مشخصه ای با عنوان اینکه اسم آن چیست و از کدام قبیله است؟ چیزی در روایات نداریم. یک نکته گنگ و مبهمی به عنوان یمانی وجود دارد. اگر این اصل را بپذیریم که یمانی جزء نشانه های ظهور است می گوییم یمانی از یمن خواهد آمد و جزء لشگریان مهدی (عج) خواهد بود. اما اسم آن چیست؟ چه حرکتی قرار است انجام دهد؟ چه ویژگی و خصوصیتی دارد؟ و یاران آن چه کسانی هستند؟ چیزی در فضای روایات نداریم .

به علاوه اینکه در بحث یمانی روایات متعارضی داریم؛ در بعضی روایات آمده است که یمانی در دوره حضرت مهدی (عج) زنده است و فعالیت می کند. روایت دیگر می گوید یمانی نود سال قبل از مهدی (عج) کشته می شود، بعد فرزند او روی کار می آید و بعد از تولد امام زمان (عج) یمانی رجعت خواهد کرد. یعنی یمانی در حکومت مهدی (عج) رجعت می کند نه اینکه او به عنوان زمینه ساز حکومت مهدی (عج) است. در روایتی آمده است که خروج یمانی با سفیانی و خراسانی همزمان است؛ اما در روایتی دیگر، یمانی قبل از سفیانی حرکت می کند. در یک دسته روایات یمانی بر سفیانی غلبه می کند، اما در روایات دیگر، سفیانی بر یمانی غلبه می کند. از این تشتت روایات نمی توانیم نظر جامعی استخراج کنیم و تعدد یمانی ها برداشت کنیم. چون تعدد، زمانی است که وقتی روایات معتبر و فضای روایات را تحیل می کنیم به این تقسیم بندی دوگانه و یا سه گانه بودن یمانی برسانیم؛ در صورتی که همه در مورد ظهور مهدی (عج) و آمدن یک یمانی سخن می گویند. وجه تمایزی هم نیست که - بالفرض - یک یمانی از چین می آید و یک یمانی از یمن. همه روایات از یک عنوانی به نام یمانی صحبت می کنند.

پس تفاوت و تعارض بین روایات وجود دارد و از بین ۱۸ روایت 10 یا ۱۲ روایت ضعیف السند و غیر اعتبار است و علاوه بر ضعف سند به این روایات در کتب دیگر اعتنا نشده است. مثلاً یک روایت در کتاب غیبت طوسی آمده و در جای دیگر بیان نشده است. نهایت چیزی که در مورد روایات یمانی می توانیم بگوییم این است که در روایات آمده که فردی یمانی از یمن خواهد آمد حال چه کسی است نمی دانیم؟ و در تطبیق مشکل داریم.

ابنا: یمانی، شخصیتی مثبت است یا منفی؟

— در یک روایت آمده است که «رایته اهدی الرايات»؛ یعنی در بین خراسانی، سفیانی و یمانی که خروجشان در یک سال و یک روز و یک ماه خواهد بود، پرچم یمانی هدایتگرتر است. سفیانی که باطل است؛ اما یمانی نسبت به خراسانی، حق را بیشتر همراه خود دارد. اما این تک روایتی است که «شیخ طوسی» در الغیبه و «مرحوم نعمانی» در کتاب الغیبه ذکر کرده اند. این روایت در کتاب غیبه نعمانی ضعف سند دارد و می بینیم که فضای روایت، فضای دوران قیام «ابومسلم خراسانی» است.

از نظر بنده، سند گزارش شیخ طوسی معتبر است. طبق مبانی رجالی «آیت الله العظمی خوئی»، سند کتاب الغیبه شیخ طوسی، ضعیف است به دلیل وجود شخصی به نام علی بن محمد قتیبه که وی نه مدحی دارد و نه ضعفی؛ و ما نمی توانیم این را بپذیریم. ولی آیت الله شبیری زنجانی طبق مبانی خود علی بن محمد بن قتیبه را می پذیرد. روایت الغیبه شیخ طوسی می گوید: فردی یمانی همزمان با خراسانی و سفیانی خروج خواهد کرد و پرچم او هدایت گر است. اگر این روایت را بپذیریم این هدایتگر بودن دلالت بر مدح فردی به نام یمانی است.

ابنا: در مورد تاریخچه مدعیان دروغین یمانی بگویید. آیا در تاریخ، یمانی هم مدعیان دروغین داشته است؟

— در روایت بحثی به نام یمانی و قحطانی داریم؛ به همین خاطر افرادی برای اینکه بخواهند خودشان را موجه جلوه دهند از این عناوین استفاده می کردند. مقدسی در کتاب «البدع و التاریخ» افرادی که به عنوان یمانی و قحطانی خود را معرفی کرده اند را آورده است. یا افراد مستقیماً خود را یمانی معرفی کرده اند و یا به وسیله یارانسان.

به عنوان نمونه، افرادی «حوثی ها» یمن را به عنوان یمانی معرفی می کنند (که البته از سوی خودشان چنین ادعایی وجود ندارد).

یا در عراق فردی با عنوان «ابی عبدالله الحسینی القحطانی» معروف به حیدر مشنت خود را به عنوان یمانی معرفی کرد. فرد دیگری مثل «احمد بن اسماعیل بصری» که بین یاران خود به نام احمد الحسن معروف است می گوید: من یمانی هستم. اینها از روایات سوء استفاده کرده و خود را یمانی و نائب مهدی (عج) معرفی می کنند. در صورتی که در روایات یمانی اشاره ای به نام، عنوان و اسم یمانی نشده است. ما نمی توانیم بگوییم که آقای فلانی یا فلانی، یمانی است. ما به فرض بپذیریم یمانی عادل است و پرچم حق به دست اوست اما چه کسی می تواند مصداق را اثبات کند؟ سال های سال هم بین شیعیان و هم در بین اهل سنت افراد متعددی خود را به عنوان یمانی معرفی کرده اند، پس نمی توانیم دلیلی بر اثبات و تطبیق پیدا کنیم.

ابنا: مدعیان دروغین یمانی در شیعه بیشتر بوده است و یا در اهل سنت؟

— آمار دقیقی نداریم که چه کسانی به صورت ویژه خودشان را به عنوان یمانی معرفی کرده اند. در تاریخ آمده است که «عبدالرحمن بن اشعث» در زمان قیام علیه حجاج، خود را قحطانی و یمانی معرفی کرد. مقدسی در کتاب البدع و التاریخ جلد 1 صفحه 114 در باب خروج المهدی، گزارشی را ذکر کرده و افرادی که خود را به عنوان یمانی و قحطانی معرفی کرده اند، را آورده است. در بین اهل سنت خیلی روایات یمانی مرسوم نیست. در اهل سنت گزارش روایات سود و پرچم های سیاه را زیاد داریم و به این مطلب خیلی استناد کرده اند و حتی طالبان خود را به عنوان روایات سود و خراسانی معرفی می کردند و در بین داعش هم این زمزمه وجود دارد. در بین شیعیان چون یمانی را با این روایت مشهور می شناسند که خروج یمانی، سفیانی و خراسانی در یک روز

اتفاق خواهد افتاد و پرچم یمانی، پرچم حقی است، گرایش به ساختن یمانی بیشتر بوده است. در کتب اربعه روایت یمانی آمده است ولی در مورد بعضی از نشانه های ظهور در کتب اربعه روایتی نداریم.

روایت یمانی در روضه کافی است بعضی از محققین معتقدند که روضه کافی متعلق به کلینی است اما کلینی دقتی که در اصول و فروع کافی داشته، در روضه اعمال نکرده است به همین خاطر اگر روایتی در روضه کافی وجود دارد، اعتبار اصول کافی را را نباید بر این حمل کنیم.

ابنا: اگر کسی مدعی شود که من یمانی هستم با چه دلایلی دیدگاه وی را نقد کنیم؟

— در دوره معاصر افرادی وجود دارند که تبلیغات زیادی می کنند و می گویند که من همان یمانی ام. «احمد اسماعیل بصری» معروف به احمد الحسن، یکی از این افراد است یا «حیدر مشتت» که کشته شد، همین ادعا را داشت. ادعای اینها این است که ما یمانی هستیم، پرچم ما هم پرچم هدایت است و برای ظهور زمینه سازی می کنیم. ما دو با اینها بحث داریم: اول اینکه همان گونه که گفته شد کلیتی در مورد یمانی داریم اما روایات یمانی گویا نیست و اهل بیت(ع) در شناخت یمانی به ما معیاری نداده اند که مشخصات یمانی چیست و ما باید از او تبعیت کنیم. ما امروز چنین دلیلی نداریم و خداوند هم تکلیف بمالایطاق نمی کند. مشکل ما با این مدعیان این است که شما چه دلیلی بر اثبات یمانی دارید؟ فردی ادعا کرده من یمانی ام، می گوئیم دلیل بر عهده مدعی است. شما مدعی هستید، دلیل چیست؟ می گوید ما روایات یمانی را داریم. دقیقاً احمد الحسن این گونه می گوید، مگر ما روایات یمانی نداریم؟ بله، روایات یمانی داریم اما چه کسی گفته تو همان یمانی هستی؟ تو باید دلیل بیاوری. در روایت آمده است که «یمانی من الیمن» این روایت صریحاً می گوید: خروج یمانی از یمن خواهد بود؛ احمد الحسن که متولد عراق و بصره است، پس یمانی نیست.

نکته دیگر اینکه احمد الحسن مدعی عصمت است در حالی که ما دلیلی بر عصمت یمانی نداریم. اینکه روایت می گوید پرچم یمانی هدایتگر است مثل این روایت، در مورد سلمان و ابوذر و زراره هم آمده است. اینکه اهل بیت(ع) فرموده اند از اینها تبعیت کنید یعنی اینها معصوم هستند؟ این چنین چیزی نیست. گفته اند که بین شما اینها بهتر هستند؛ مثل اینکه گفته می شود از بین مراجع فلانی اعلم است این به این معنی نیست که فلانی معصوم است. روایت نشانه های ظهور می گوید پرچم یمانی هدایتگر است؛ در صورتی که احمد الحسن می خواهد اثبات کند که یمانی معصوم است. به احمد الحسن می گوئیم طبق اشتباهاتی که شما در روایت خوانی، در مباحث قرآنی و حدیثی داری تو صلاحیت نداری و هدایتگر نیستی. کسی که روایت جعلی بخواند کسی که روایت را تقطیع کند و قسمتی از روایت را باب میل خود بخواند کسی که معنای روایت را نفهمد و به دروغ به مردم ترجمه و معنای غلطی از روایت را انتقال دهد، یقیناً نمی تواند هدایتگر باشد و صلاحیت هدایتگری ندارد پس اگر ما یمانی را به عنوان پرچم هدایتگر بپذیریم احمد الحسن، حیدر مشتت و کسانی که مدعی یمانی بودن هستند، اولین معیار را ندارید و آن هدایتگری است. اگر یمانی را با خصوصیات آن بپذیریم لوازم او با حق بودن، راست گو بودن و عالم بودن اوست اما زمانی که کتاب های مدعیان یمانی را مشاهده می کنیم می بینیم این خصوصیات را ندارند.

ابنا: احمد الحسن به عنوان مدعی یمانی در عراق چه فعالیت هایی دارد؟ و چگونه مردم را به طرف خود جذب می کند؟

— در کتاب ره افسانه ای که در نقد این جریان نوشتیم و در سایت «هو الطرید» وجود دارد مختصری به جریان احمد الحسن پرداخته ایم. اجمالاً او فردی است که سواد حدیثی و حوزوی ندارد و لیسانس رشته مهندسی شهرسازی از دانشگاه عراق گرفته است. وی در بصره ادعا کرد که من با چهار واسطه از اولاد امام زمان(عج) و یمانی موعود هستم و قرار است حکومت عصر ظهور را

زمینه سازی کنم. وقتی حضرت مهدی(عج) حکومت تشکیل داد و از دنیا رفت، من و یازده مهدی دیگر امامان بعد از امام مهدی(عج) خواهیم شد. وی قصه مهدیون را مطرح می کند و می گوید: بعد از امام مهدی(عج) که حکومت ائمه(ع) تمام شد ۱۲ مهدی می آیند و من(احمد الحسن) مهدی اول هستم و پدرم (امام زمان) حکومت را به من خواهد داد. احمد الحسن و حیدر مشنت با هم هماهنگ شده بودند که من می گویم یمانی هستم و تو نائب من هستی. بعد با هم اختلاف پیدا کرده، یکدیگر را لعن و نفرین کردند. سپس هر دو مدعی شدند که من یمانی هستم.

ابنا: آیا احمد الحسن طرفدار هم دارد؟

— اینها کمابیش در عراق و در ایران مخصوصاً در خوزستان طرفدارانی دارند. شبکه ماهواره ای دارند و در فضای اینترنت فعال اند. صد کتاب بر مبنای روایات جعلی در اثبات جریان خود نوشته اند. اینها رؤیا و خواب و استخاره را حجت می دانند. وی اساساً سید نیست ولی ادعا می کند که جزء سادات هستم و شجره من به امام زمان(عج) می رسد. اینها از عدم سواد حدیثی مردم و شوق و اشتیاق آنها به امام زمان(عج) سوء استفاده می کند تا خود را به عنوان فردی مثبت و یمانی و فرزند امام زمان(عج) جا بزنند.

ابنا: ارتباط احمد الحسن با مراجع چگونه است و آیا اساساً مراجع را قبول دارد؟

— هدف اصلی استعمار ضربه زدن به مرجعیت است. اینکه مرحوم مجلسی در بحار در باب فضیلت قم می گوید علم از نجف و کوفه به قم می آید و اینکه امام صادق(ع) به مردم مستضعف فکری - فرهنگی جهان می فرماید: «فعلیکم بقم» به قم مراجعه کنید؛ مراجعه به قم مراجعه به بقال و خیاط که نیست؛ طبیعتاً مراجعه به علمای آن شهر است. امام حسن عسکری(ع) در روایتی فرمود: «فللعوام ان یقلدوه». مردمی که تخصص حدیثی ندارند باید به اهل فن، متخصص، علما و مراجع مراجعه کنند. دقیقاً ما می بینیم که جریان وهابیت و استعمار غرب مراجع را هدف قرار داده اند. هر چند غرب در مورد گسترش وهابیت در مناطق شیعه نشین موفق نشد ولی دست به کار دیگری زد و از خود جمعیت شیعه یارگیری کرد و افرادی مثل احمد الحسن را به اسم فرزند امام زمان(عج) و یمانی معرفی کرد.

احمد الحسن اولین کاری که کرد این بود که مراجع شیعه را هدف قرار داد. احمد الحسن می گوید: تمام فقهای شیعه دجال هستند و امروز یکی از مراجعی که بیشترین مقابله با استعمار، انگلیس و آمریکا را دارد آیت الله سیستانی است و احمد الحسن هم آیت الله سیستانی را خیلی مورد هجوم قرار می دهد و به دنبال شکستن هیبت ایشان در بین شیعیان است. احمد الحسن کتابی در مورد حرمت تقلید از مراجع نوشته، می گوید تقلید بدعت است و خمس دادن به مراجع حرام است. می گوئیم پس خمس را به چه کسی بدهیم؟ می گوید به من احمد الحسن! یعنی برای خودش کیسه می دوزد و مراجع را هم در صف اول دشمنان خود معرفی می کند. تعبیر یاران احمد الحسن این است که فقها و مراجع همان کسانی هستند که روبروی مهدی(عج) می ایستند در حالی که در روایات آمده است که در آسیب ها و مشکلات آخر الزمان به قم، علما، مراجع و اهل حدیث مراجعه کنید.

احمد الحسن شیعه اثنی عشری است در بصره بزرگ شده ولی انحراف فکری دارد الان هم اثری از آن نیست و مشخص نیست کجاست. ممکن است مرده باشد و جریان غرب از این نام موج سواری می کند.

ابنا: در پایان اگر نکته ای دارید بفرمایید.

— نتیجه گیری اینکه: ما یک روایت داریم شاید این روایت را قبول کرده و بگوئیم که یمانی از علائم حتمی است. اما نظر

شخصی بنده این است که خیلی به روایات یمانی به عنوان نشانه های ظهور اطمینان ندارم، چون خلاف نظر مشهور است. آنچه که از مجموع روایات یمانی می توانیم بگوییم این است که یمانی جزء علائم محتوم است و پرچم او پرچم حق است؛ اما روایت معتبری در اینکه من وظیفه ای در شناخت یمانی دارم، وجود ندارد. به عبارت دیگر موظف به شناختن و تبعیت از او نیستیم. به اعتقاد من نشانه های ظهور نقشی در شناخت حجت الهی ندارند. خودمان را درگیر نشانه های ظهور نکنیم چون اولاً باید بدانیم جایگاه و اعتبار نشانه های ظهور چه میزان است؟ ثانیاً این روایات آنقدر گنگ و مبهم اند که قابلیت تطبیق ندارند .

لذا در روایت آمده است همان معیارهایی که برای شناخت حضرت علی(ع) و سایر ائمه(ع) داریم به وسیله همان معیارها امام زمان(عج) را بشناسیم. آیا الزاما حضرت علی(ع) را به وسیله سلمان شناختیم؟ نه؛ ما طبق آیات، روایات و تصریح رسول خدا(ص) فهمیدیم که حضرت علی(ع) همان مصداق امام است. به همین خاطر حضرت علی(ع) هم کد می دهند که «اعرف الحق ثم تعرف اهله» اول معیار های حق را بشناس بعد معیارهای آن را مصداق یابی کن. ما امروزه در جامعه خود به یکسری روایات مبهم چنگ می زنیم که در آینده چه اتفاقی خواهد افتاد و به دنبال سفیانی، دجال و یمانی می گردیم تا امام زمان(عج) را بشناسیم در حالی که نباید اینگونه باشد.

ابنا: از اینکه این فرصت را در اختیار ما گذاشتید متشکریم.